

## اسلام جهان وطني سگي که پای صاحبش را گاز گرفت

حوادثي که در نخستين سال هزاره سوم ميلادي پشت ابرقدرت آمريکا را بلرزه درآورد با گذشت ششماه براي ثبت در تاريخ از سوي ما نيز در اين نامه يادآوري ميشود.

11 سپتامبر 2001 برابر با 20 شهريور 1380 روز فاجعه ايست که در آن دو آسمان خراش چهارصد متري مرکز بازرگاني جهان در نيويورک و نيمي از ساختمان پنتاکون ستاد فرماندهي ارتش آمريکا در واشنگتن با کوباندن سه هواپيما بدست تروريست هاي انتحاري اسلامي طعمه آتش شدند و چندين هزار کشته بجاي گذاردند.

يك هواپيماي چهارم هم در همين روز پس از درگيري هواپيما ربايان با سرنشينانش پيش از رسيدن به نيروگاه اتمي که هدف او بود در پنسيلواني سقوط کرد و منفجر شد. بلاي بزرگي از سر آمريکا گذشت.

دو ماه و يکروز پس از اين حوادث در تاريخ 12 نوامبر برابر با 21 آبان ماه يك هواپيماي پنجم هم با کنده شدن يکي از موتورهايش بر فراز نيويورک بروي ساختمانها پرتاب شد و همه سرنشينان و کارکنانش را بکام مرگ فرستاد.

يکماه و 11 روز پس از اين حادثه در بامداد يکشنبه 23 دسامبر برابر با 4 دي ماه چيزي نمانده بود که يك هواپيماي ششم هم که از پاریس بسوي ميامي رهسپار بود بر فراز اقيانوس اطلس بسرنوشت همانندي دچار شده و بدون آبها بلغزد ولي خوشبختانه با مهار کردن تروريست اسلامي که يك گذرنامه انگليسي داشت از انفجار جلوگیری بعمل آمد. اگر انفجار صورت میگرفت کسی زنده نمی ماند تا بگويد اين جنایت بدست يك تروريست اسلامي دست پرورده مسجد بزرگ مسلمانان در لندن انجام گرفت.

چشم هاي الكترونيكي ابرقدرت که جنبيدن بن لادن را زير گوششان هم نديدند اگر خوب مينگرستند، ريشه اين بلاهاي آسماني را در اسلام بازيهاي وي پيدا ميکردند. از ماست که بر ماست. اينها همه خشم خداست که بر جان آمريکا افتاده است. تيري را که آمريکا بدست اسلام واپسگرا از پاکستان بسوي افغانستان رها کرده بود روي کوههاي سربر آسمان کشيده آن کماته کرد و چنان در نيويورک و واشنگتن بر دل خودش نشست که فریاد درد آن در جهان پيچيد.

مراسم پرآب و تاب برگذاري سه دقيقه سکوت از سوي دولتمردان اروپايي براي جانباختگان اين فاجعه که قربانيان جهانخوارگي دولت خودشان هستند نقطه اوج اين عوامفريبي ها بود.

محمد خاتمي نيز مأمور بود که از جايگاه رئيس جمهوري بنام رژیم مزدور اسلامي صداي دروغين همدرديش را با آنان بياميزد و نشان بدهد که براي او هم خون آمريکائيهائي که بدست تروريست پرورده خودشان کشته شدند از خون ايرانيائي که در جنگ هشت ساله ايران و عراق بسود اسلحه فروشان بيگانه بر خاک ريخته شد رنگين تر است.

عمليات تروريستي همين بن لادن در سه چهار سال گذشته عليه پايگاه سربازان آمريکائي در عربستان سعودي (با همکاري با جمهوري اسلامي ايران)، سفارت آمريکا در سوډان و ناوگان جنگي آمريکا در دريائي عمان و... که بيش از صد کشته بر جاي گذاشت با هيچ واکنشي از سوي آمريکا روبرو نشد.

دولت آمريکا که براي جان شهروندان خودش هم ارزشي قائل نيست دست پاکستان و طالبان را براي تأمين منافع کمپانيهاي نفتي بر سرنوشت ملت ستمديده افغانستان بازگذاشته بود. راه عبور لوله هاي

نفت و گاز آسیای میانه از افغانستان و پاکستان تا دریای عمان و بازارهای فروش ببهایی نابودی یک ملت هم شده است باید گشوده میشد، آرزویی که کمپانیهای نفتی چه بسا بگور ببرند.

عدو شود سبب خیر اگر خدا بخواهد. وزیدن نسیم آزادی به افغانستان ارمغانی است که بن لادن از نیویورک برای افغانها فرستاد، وگرنه نفتخواران انگلیسی - آمریکایی بنا به خبرهای درز کرده خوابهای دیگری در رابطه با برخی سران طالبان برای یکسره کردن کار این سرزمین برای آنها دیده بودند.

ولی سازمان القاعده که از همکاری یک مافیای نیرومند آمریکایی بهره مند است زودتر از آنها دست بکار شد و یک روز پس از ترور احمد شاه مسعود توانست ابرقدرت را بزانو درآورد.

شبکه آن کارمندان دزد سیا که در افغانستان کنار بن لادن جا خوش کرده بودند و پولهای بی حسابی از راه قاچاق مواد مخدر به جیب میزدند نیز باید درین فاجعه دستی داشته باشند.

اگر آقای جرج بوش که در مبارزه با تروریسم میگوید «هرکس با ما نیست برماست» همچنان پای بند این پیام است، پس چرا همکاریهای انگلستان با جمهوری تروریست اسلامی را تاکنون نادیده گرفته است؟

سفر شتابزده تونی بلر نخست وزیر انگلستان پس از فاجعه 11 سپتامبر به تهران و دو دیدار پی در پی جاک استراو وزیر خارجه اش از آخوندها، که رسانه های مزدور کوشیدند به حساب براه آوردن جمهوری اسلامی بگذارند، ایرانیان بدرستی به انگیزه جلوگیری از فروپاشی رژیم که یک لنگش در هواست و آفتاب عمرش به لب بام رسیده است تشخیص دادند. لغزندگی فرآینده آخوندسالاری لاشخوران بی آبروی انگلیسی را به گنجی انداخته است.

محمود هاشمی عراقی رئیس جنایتکار قوه قضائیه جمهوری اسلامی که شمار زندانیان را به ششصد و پنجاه هزار تن یعنی بیش از دویست برابر رژیم گذشته برآورد میکند بتهائی نشان میدهد که این رژیم هیچ پایگاه مردمی ندارد و تاکنون با زور و پشتیبانی بیگانگان، بویژه انگلستان و دستکم زیر سبیل گذاشتن آمریکا ببهایی کشتار و بند و شکنجه صدها هزار ایرانی برجا مانده است. آمریکا باید به این پرسش پاسخ بدهد که آیا اسلام جهان وطن همچنان یکی از اهرمهای جهانخوارگی او را تشکیل خواهد داد و یا سیاست او بتدریج بسوی تفاهم با دیگر کشورها و احترام به دیگر ملتها متمایل خواهد گشت؟ سیمای جامعه نوین افغانستان و روند بازگشت مردمسالاری بدین سرزمین اسلام زده تا اندازه ای درین زمینه تکلیف ما را روشن خواهد کرد.

کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل که هم از توپره دولت آمریکا میخورد و هم از آخور مافیای پول و قدرت پس از یکسال برای بار دوم به تهران بدیدار خامنه ای رفت ولی نگفت چه ارمغانی از گفتگوهایش با سرکرده تروریستها برای بشریت با خود بازآورد. تنها ره آوردش از این سفر آن بود که خود را فریفته آزادی بیان در جمهوری اسلامی خواند و با این یاوه پردازی ته مانده آبرویی را هم که سازمانش داشت بر خاک ریخت. دبیر کل انبوه روزنامه نگاران و آزادیخواهانی را که در شکنجه گاههای رژیم در پی تکلیفی بسر میبرند و جان میسپارند بفراموشی سپرد و نپرسید چرا بیگناهی را که ببهانه توطئه براندازی گرفته اند و مدرکی بر علیه شان ندارند آزاد نمی کنند؟ بیگمان بهمان دلیل که او هم مانند آخوندها میداند که همه ملت ایران کمر به براندازی رژیم مزدور بسته است.

پافشاری برخی سناتورهای آمریکایی برای یافتن راه سازشی با سردمداران تروریسم آخوندی برغم تودهنی های خفت باری که از سران رژیم میخورند، ارزش پیام رئیس جمهورشان را در باور

جهانیان تا سطح يك رجزخواني بي پشتوانه پانين مياورد. ابرقدرتي كه معلوم نيست در مبارزه با تروریسم خودش هم (با ماست يا برماست؟)...

در همان زمان آخوندها كه پس از فاجعه 11 سپتامبر يك چند ماستها را كيسه کرده بودند با اشاره انگلستان دوباره دم درآورده اند و آمريكا را بباد دشنام و ناسزا ميگيرند. خنده دار آنكه ابرقدرت هم گويي با سر و صداي اين طبل تهی دارد جا ميزند. شايد ميداند كه در اين جا هم برخي نمايندگان فاسد و خريداري شده سيا زورشان را در كفه ترازوي تروريستهاي اسلامي ايران گذاشته اند و بدولت و ملت خودشان خيانت ميورزند.

نخستين شرط اعتبار يافتن پيام جرج بوش مهار كردن نيروهاي نيست كه در خود آمريكا شالوده اسلام جهان وطن را سالها پيش از خاكستر شدن اشمانخراشها ريخته اند. اينان از همكاري تنگاتنگ انگلستان كه دست از اسلام بازي برنميدارند و در همان حال خود را بهترين دوست آمريكا نيز مخواند بهره مندند با داشتن چنين دوستي آمريكا چه احتياجي به دشمن دارد؟ اسلام جهان وطن همزاد اهریمن پليدي بنام سيد روح الله خميني است كه با او 23 سال پيش پا بدین جهان گذاشته و بازو به بازوي يكدیگر در خدمت باستعمار تاکنون اينهمه ويرانگري و كشتار و جنایت کرده اند.

با مرگ جمهوري اسلامي در ايران يك بدنه بزرگ اسلام جهان وطن فروميريزد.

جمهوري اسلامي برآمده از توطئه بزرگي است كه آمريكا و اروپا يا بزباني ديگر باختريان و كشورهاي صنعتي براي نابود ساختن دستاوردهاي علمي، فرهنگي، اقتصادي و اجتماعي ما کرده بودند تا خود به آساني در سايه سرکوب آزاديها بدست رژيم مزدور به چپاول ثروتهاي طبيعي مان پرداخته و با گسترش بيكاري و بينواني و پريشان ساماني مردم اين سرزمين را بصورت مصرف کنندگان بنجل هاي خود درآورند.

آتش جنگ هشت ساله ايران و عراق كه سالها پيش از انقلاب اسلامي در پي آن بودند سرانجام با اين انقلاب افروخته شد. ولي در حاليكه پيش از پايان دومين سال ميرفت با پرداخت 60 ميليارد دلار غرامت جنگي از سوي كشورهاي عرب به ايران پايان پذيرد بدستور خميني يعني بفرمان استعمار پيش از شش سال ديگر با ويرانيهها و كشتارهاي چند برابر بيشتري ايران و بدون غرامت جنگي ادامه يافت.

نقش برجسته علي اكبر هاشمي رفسنجاني كه يكي از پيشرفته ترين آخوندهاست در اين خيانت از كسي پوشيده نيست.

اگر بيم فروپاشي رژيم مزدور نميرفت، استعمار بدش نمي آمد دستور نوشيدن جام زهر براي خميني را يكي دو سال ديرتر صادر كند.

براي اينكه ايراني نتواند از زير بار ناسامانيهاي اين جنگ ويرانگر كمر راست كند و به سازواري و بهبود زخمهايش پردازد جانشينان خميني دستور داشتند بنام شريعت اسلام و پيرايه هاي دست و پاگيري كه بر آن بستند همه راههاي آبادگري را بر ايرانيان ببندند.

نوید آزادي و امنيت و قانون هنوز هم آن سه چهار ميليون ايراني را كه سرمايه و دانش بيشتريشان نوشداروي جامعه دردمند ايرانست از بازگشت به ميهن باز مي دارد.

مردان خدا بگوشه اي زان رفتند      كامروز مخنثان جهان بگرفتند

پاينده ايران

